



دانشگاه تبریز

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

عنوان:

مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان‌های سیاسی مسلط در
جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

دکتر رجب ایزدی

استاد مشاور:

دکتر امین نواختی مقدم

پژوهش گر:

امیر رضائی پناه

دی ماه ۱۳۸۹

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای

خداوند روزی ده رهنمای

خداوند کیوان و کردان سپهر

فروزنده ماه و ناهید و مهر

پیشکش بہ:

پدرم، علی (ع)؛ مادرم، زہرای مرضیہ (س)؛

و برای:

ہمہ آمان کہ قلبشان فرودسی وار برای ایران بزرگ می تند.

| | |
|---|-----------|
| نام خانوادگی: رضائی پناه | نام: امیر |
| عنوان پایان‌نامه: مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران | |
| استاد راهنما: دکتر رجب ایزدی استاد مشاور: دکتر امین نواختی مقدم | |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: علوم سیاسی گرایش: علوم سیاسی دانشگاه: تبریز | |
| دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۴ دی ماه ۱۳۸۹ تعداد صفحه: ۱۸۸ | |
| کلید واژه‌ها: گفتمان، گفتمان سیاسی، لاکلا و موف، نورمن فرکلاف، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، مبانی اجتماعی، مبانی اقتصادی. | |
| <p>چکیده:</p> <p>این پژوهش در پی یافتن ریشه و سرچشمه تحولات گفتمانی، در پهنه سیاسی جمهوری اسلامی ایران بوده و در ردیابی این امر، اصلی‌ترین پهنه‌های تحول‌ساز را در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی دیده است. بر این پایه دگرگونی و تحول در مبانی اجتماعی و اقتصادی ایران، پایه‌ای‌ترین زمینه‌ساز جابه‌جایی در گفتمان‌های مسلط و چیره در جمهوری اسلامی بوده است. پژوهش پیش‌رو، برای واکاوی و اثبات این فرضیه، خوانش گفتمانی ارنستو لاکلا و شنتال موف، که با دقایقی از خوانش فرکلافی از این نظریه درآمیخته است را، به‌عنوان بهترین و گویاترین ابزار شناخت به‌کار گرفته است.</p> <p>این نوشتار در چارچوب یک پیش‌گفتار، شش گفتار و یک نتیجه‌گیری به ارائه مطالب خویش پرداخته است. در گفتار نخست، بنیاد و چارچوب نظری خویش را بیان داشته و چگونگی اثبات فرضیه‌اش را در بستر آن عرضه می‌دارد. در گفتار دوم، چرایی و چگونگی به‌حاشیه‌رانی گفتمان‌های لیبرال اسلامی و چپ (مارکسیست و التقاطی) و تثبیت هویت و هژمونی‌یابی نظام جمهوری اسلامی، مورد واکاوی قرار گرفته است. در این گفتار نشان داده شده است که چگونه این گفتمان توانست با مفصل‌بندی مناسب نشانه‌ها و انگاره‌هایش به‌گرد دو مفهوم «اسلامیت» و «جمهوریت»، در سایه انگاره «ولایت‌فقیه»، خود را به‌مثابه بهترین گزینه برای سامان‌دهی نظام سیاسی پس از انقلاب معرفی نماید. گفتارهای سوم تا ششم نیز به‌ترتیب به بررسی فرضیه در باب گفتمان‌های «چپ اسلامی ارزش‌مدار»، (۶۸-۱۳۶۰)؛ «گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی»، (۷۶-۱۳۶۸)؛ «گفتمان دموکرات اسلامی»، (۸۴-۱۳۷۶) و «گفتمان عدالت اجتماعی و اصول‌گرایی»، (...-۱۳۸۴) پرداخته است. در پایان نیز در یک نتیجه‌گیری کلی، اصول و برایندهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و رهاوردهای سخن در یک چارچوب کلان بیان گردیده است.</p> | |

«دنباله چکیده پایان‌نامه»

برایندهای جستار پیش‌رو نشان می‌دهد که تحول و جابه‌جایی در گفتمان‌های مسلط در جمهوری اسلامی، ریشه استواری در تحولات پهنه‌های اجتماعی و اقتصادی دارد. این امر، در بیشتر موارد، به‌واسطه همراهی تنگاتنگ با تحولات و موج‌های موجود در پهنه جهانی تقویت شده است. از سوی دیگر نشان داده شده است که نظام جمهوری اسلامی در روندی فزاینده، در حال گردش به‌سوی اصول‌گرایی بیشتر می‌باشد؛ در کنار این موضوع، موجی از ملی‌گرایی نیز در بدنه جامعه و اقتصاد ایران، در حال پاگیری است که می‌تواند، بدل به یکی از منابع تنش مشروعیت در جمهوری اسلامی شود.

فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| پیش گفتار..... | أ |
| ۱. بیان مسأله | أ |
| ۲. پرسش اصلی و پرسش های فرعی | ب |
| ۳. بررسی ادبیات موجود | ج |
| ۴. متغیرها | ه |
| ۵. چارچوب نظری | ه |
| ۶. فرضیه اصلی | ه |
| ۷. فرضیه های فرعی | ه |
| ۸. هدف پژوهش | و |
| ۹. اهداف فرعی | و |
| ۱۰. روش پژوهش | و |
| ۱۱. سازمان دهی پژوهش | و |
| پیش گفتار..... | ۲ |
| الف) ارکان و مؤلفه های نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف..... | ه |
| ۱. گفتمان | ه |
| ۲. نشانه (دال) و مدلول | ۷ |
| ۳. مفصل بندی | ۹ |
| ۴. بی قراری | ۹ |
| ۵. امکان و تصادف | ۱۰ |
| ۶. هویت | ۱۰ |
| ۷. هژمونی | ۱۳ |
| ۸. قدرت | ۱۶ |
| ۹. اسطوره و تصورات اجتماعی | ۱۷ |
| ۱۰. سوژه | ۱۸ |
| ب. چگونگی بازنمایی فرضیه پژوهش در چارچوب خوانش گفتمانی لاکلا و موف..... | ۲۱ |
| پیش گفتار..... | ۲۴ |
| الف. چرایی و چگونگی به حاشیه رانده شدن دگرهای ملی و لیبرال..... | ۲۶ |
| ۱. تاریخچه کوتاهی در باب میانه روی در انقلاب اسلامی ایران | ۲۷ |

| | |
|----|--|
| ۲۷ | ۱-۱. دوران دولت موقت (۵۷/۱۱/۲۲ - ۵۸/۸/۱۴) |
| ۲۹ | ۱-۲. دوران ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر (۶۰/۴/۱ - ۵۸/۱۱/۵) |
| ۳۲ | ۲. دلایل حاشیه رانی گفتمان لیبرال اسلامی در انقلاب ایران |
| ۳۲ | ۲-۱. عوامل عام |
| ۳۲ | ۲-۲. عوامل ویژه |
| ۴۱ | (ب) چرایی و چگونگی به حاشیه رانده شدن دگرهای چپ (مارکسیست و التقاطی) |
| ۴۱ | ۱. تاریخچه ای کوتاه از نیروهای چپ در پس از انقلاب |
| ۴۱ | ۱-۱. سازمان فدائیان خلق ایران |
| ۴۲ | ۱-۲. سازمان مجاهدین خلق ایران |
| ۴۴ | ۱-۳. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر |
| ۴۵ | ۱-۴. حزب توده |
| ۴۷ | ۱-۵. گروههای چپ قومیت گرا |
| ۴۹ | ۲. دلایل به حاشیه رانده شدن گفتمان چپ در انقلاب ایران |
| ۵۷ | پیش گفتار |
| ۵۹ | الف. نشانه شناسی و چگونگی هژمونی یابی گفتمان چپ اسلامی ارزش مدار |
| ۵۹ | ۱. چگونگی برآمدن و هژمونی یابی |
| ۶۱ | ۲. نشانه شناسی |
| ۶۲ | ۳. دگرهای گفتمان چپ اسلامی |
| ۶۲ | ۳-۱. دگرهای درونی |
| ۶۵ | ۳-۲. دگرهای بیرونی |
| ۶۷ | ۴. گفتمان چپ اسلامی و ارکان حکومت |
| ۷۰ | ۵. جنگ |
| ۷۵ | (ب) مبانی اقتصادی گفتمان چپ اسلامی ارزش مدار |
| ۷۵ | ۱. نشانه شناسی |
| ۷۷ | ۲. کارنامه اقتصادی |

| | |
|-----|--|
| ۷۸ | ۳. نارسایی ها |
| ۸۵ | رهاورد سخن |
| ۸۷ | پیش گفتار |
| ۸۸ | الف. نشانه شناسی و چگونگی هژمونی یابی گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی |
| ۸۸ | ۱. چگونگی برآمدن و هژمونی یابی |
| ۹۰ | ۲. نشانه شناسی |
| ۹۱ | ۳. دگرهای گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی |
| ۹۱ | ۳-۱. دگرهای درونی |
| ۹۲ | ۳-۲. دگرهای بیرونی |
| ۹۶ | ۴. گفتمان اقتصاد آزاد و ارکان حکومتی |
| ۹۹ | ب) مبانی اقتصادی گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی |
| ۹۹ | ۱. نشانه شناسی و بررسی کارکرد |
| ۱۰۳ | ۲. نارسایی ها |
| ۱۰۵ | پ. مبانی اجتماعی گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی |
| ۱۰۸ | رهاورد سخن |
| ۱۱۰ | پیش گفتار |
| ۱۱۱ | الف. نشانه شناسی و چگونگی هژمونی یابی گفتمان دموکرات اسلامی |
| ۱۱۱ | ۱. چگونگی برآمدن و هژمونی یابی |
| ۱۱۴ | ۲. نشانه شناسی |
| ۱۲۱ | ۳. دگرهای گفتمان دموکرات اسلامی |
| ۱۲۱ | ۳-۱. دگرهای درونی |
| ۱۲۵ | ۳-۲. دگرهای بیرونی |
| ۱۲۹ | ۴. گفتمان دموکرات اسلامی و ارکان حکومتی |
| ۱۳۳ | ب. مبانی اجتماعی گفتمان دموکرات اسلامی |

| | |
|-----|---|
| ۱۳۳ | ۱. نشانه شناسی و خاستگاه و پایگاه اجتماعی |
| ۱۳۶ | ۲. کارکرد |
| ۱۴۰ | پ. مبانی اقتصادی گفتمان دموکرات اسلامی |
| ۱۴۵ | رهاورد سخن |
| ۱۴۸ | پیش گفتار |
| ۱۴۹ | الف. نشانه شناسی و چگونگی هژمونی یابی گفتمان عدالت اجتماعی و اصول گرایی |
| ۱۴۹ | ۱. چگونگی برآمدن و هژمونی یابی |
| ۱۵۴ | ۲. نشانه شناسی |
| ۱۵۸ | ۳. دگرهای گفتمان عدالت اجتماعی و اصول گرایی |
| ۱۵۸ | ۳-۱. دگرهای درونی |
| ۱۶۲ | ۳-۲. دگرهای بیرونی |
| ۱۶۶ | ۴. گفتمان عدالت اجتماعی و ارکان حکومتی |
| ۱۶۸ | ب. مبانی اقتصادی گفتمان عدالت اجتماعی و اصول گرایی |
| ۱۶۸ | ۱. نشانه شناسی |
| ۱۶۸ | ۲. کارنامه اقتصادی |
| ۱۷۳ | پ. مبانی اجتماعی گفتمان عدالت اجتماعی و اصولگرایی |
| ۱۷۷ | رهاورد سخن |
| ۱۷۸ | واپسین سخن |
| ۱۸۳ | فهرست منابع |

پیش‌گفتار

۱. بیان مسأله: انقلاب اسلامی ایران، و ایده جمهوری اسلامی مطرح شده در دل آن، به‌عنوان یک ابرگفتمان، زمینه‌ساز تحولی بنیادین در گفتمان سیاسی حاکم در ایران گردید؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را یک گسست معنایی پایه‌ای نسبت به دوره‌های پیشین مملکت‌داری در ایران دانست. اما این پدیده نیز همانند هر پدیده‌ی اجتماعی و سیاسی دیگر، در دوران حیات خویش دستخوش دگرگونی و به‌صحنه آمدن گفتمان‌ها و مجموعه‌های معنایی گوناگونی بوده است.

پژوهش پیش‌رو در کنار مطالعه و بررسی دوران سی ساله پس از انقلاب، پنج دوره و گفتمان اساسی را مورد شناسایی قرار داده و آن‌ها را به‌گونه‌ی زیر برمی‌شمارد:

الف) گفتمان لیبرال اسلامی در دوران دولت موقت و ریاست‌جمهوری ابوالحسن بنی‌صدر با نشانه‌ها و ارزش‌هایی چون آزادی، حکومت مردم‌سالار، نظام اقتصاد آزاد، بایستگی پاس‌داشت حقوق شهروندان، قانون-گرایی و رعایت ترتیبات قانونی، انتخابات‌آزاد و مسائلی چون حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها، تکثرگرایی، رواداری و...

(از دید این پژوهش مرحله پیش‌گفته نه‌به‌عنوان یکی از مراحل اساسی جمهوری اسلامی، که مرحله تثبیت و هژمونی‌یابی قطعی آن می‌باشد)

ب) گفتمان چپ اسلامی ارزش‌مدار در سال‌های ۶۰ تا ۶۸، به‌ویژه در دوران نخست‌وزیری میرحسین موسوی، با کانون‌ها و دال‌هایی مانند ولایت‌فقیه و پیروی بی‌چون و چرا از رهبری، بسیجی‌گری، شهادت‌طلبی، بایستگی برپایی عدالت اجتماعی و برابری، اقتصاد دولتی، ریاضت اقتصادی و صرفه‌جوئی در مصرف، مردم-گرایی، مدیریت جامعه جنگ‌زده و حل بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، گرایش به طبقات متوسط رو به-پایین و پایین، توزیع کوپن، بسیج توده‌ای و...

پ) گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی در دوران ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی‌رفسنجانی (۷۶-۱۳۶۸)؛ با محورها و نشانه‌هایی همچون تأکید بر اقتصاد آزاد، بازسازی ارکان و بنیان‌های جامعه در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه در بخش اقتصاد، جای‌گزینی نسبی بحث رفاه اقتصادی به‌جای عدالت اجتماعی، بایستگی جلب و جذب

پیش‌گفتار

سرمایه خارجی و انباشت سرمایه داخلی، بایستگی کارآمدی و تخصص در کنار تعهد مکتبی و بهره‌گیری از نیروهای تکنوکرات، تأمین اشتغال، توجه به قواعد اقتصاد بین‌المللی، گرایش به بخش خصوصی، مصلحت‌گرایی، عمل‌گرایی، عقلانیت و آسان‌گیری اسلامی، تعدیل نسبی تندروی نخستین نسبت به غرب و...

ت) گفتمان دموکرات اسلامی در دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی (۸۴-۱۳۷۶) با نشانه‌ها و کانون‌هایی مانند مردم و جمهوریت نظام، بایستگی پاس‌داشت آزادی در پهنه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، لزوم جلب مشارکت مردمی، فقه و دین‌پویا، بایستگی بهبود روابط و کناکنش با برون‌مرزها به‌ویژه غرب، تخصص‌گرایی، رعایت قانون‌اساسی، گسترش حوزه جامعه‌مدنی، رواداری، رعایت حقوق شهروندی، آزادی احزاب، تجمعات، مطبوعات و انتخابات، تکثرگرایی، حقوق زنان و اقلیت‌ها و...

ث) گفتمان عدالت اجتماعی و اصول‌گرایی در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد (...-۱۳۸۴) و نشانه‌ها و نماگرایی چون تأکید بر ولایت‌فقیه، بازگشت به اصول و ارزش‌های انقلاب و دوران جنگ، عدالت اجتماعی، رفع فقر و تبعیض، طرح مسائل مذهبی و ملی به‌صورت هم‌زمان و پیدایش گونه‌ای ناسیونالیسم اسلامی و ایرانی، مردم‌گرایی و سیاست‌توده‌ای، معنویت‌گرایی در عرصه سیاست، سمبولیسم مذهبی و مهدویت‌گرایی، مبارزه با فساد و تباهی در همه‌ی حوزه‌ها به‌ویژه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دگرسازی با غرب و به‌ویژه امریکا، ارتباط با ملت‌ها به‌جای دولت‌ها، پشتیبانی از فلسطین و مبارزه در راستای نابودسازی رژیم صهیونیستی، پیوند با کشورهای منتقد غرب، ردگیری اتحاد اسلامی و توجه به مسائل جهان اسلام، تأکید بر پیشرفت‌های علمی و فنی و...

۲. پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی:

- پرسش محوری این پژوهش به‌سرچشمه و خاستگاه این دگرگونی‌ها و جابه‌جایی‌های گفتمانی در پهنه سیاسی جمهوری اسلامی باز می‌گردد، براین پایه این نوشتار به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد که:

«دلیل اصلی صیوروت و تحول گفتمان‌های مسلط در عرصه نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟»

پرسش‌های فرعی نیز به‌قرار زیر می‌باشد:

- الف) چه دگرگونی‌های گفتمانی‌ای در عرصه نظام سیاسی جمهوری اسلامی روی داده است؟
ب) تحولات اجتماعی چگونه در جای‌گزینی گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی مؤثر بوده است؟
پ) تحولات اقتصادی چگونه در جای‌گزینی گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی مؤثر بوده است؟
ت) آیا تحولات عرصه بین‌الملل در جای‌گزینی گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی مؤثر بوده است؟
ث) ناکارآمدی در گفتمان پیشین تا چه اندازه زمینه‌ساز برآمدن گفتمان جدید و پسین‌بوده است؟

۳. بررسی ادبیات موجود: در میان پژوهش‌های انجام گرفته درباره ایران پس از انقلاب، کاری با چنین مختصاتی

انجام نگرفته است، لکن در زیر چند مورد از قوی‌ترین و نزدیک‌ترین کارهای صورت گرفته می‌آید؛

الف) نخستین پژوهش در این باره کتابی با عنوان «Guardians of The Revolution» می‌باشد که به‌وسیله Ray Takeyh نوشته و در سال ۲۰۰۹ توسط انتشارات آکسفورد منتشر گردیده شده است. نویسنده در این نوشتار به بررسی پهنه سیاسی ایران، از نخستین روز رخداد انقلاب اسلامی تا هنگامه برآمدن احمدی‌نژاد، می‌پردازد. پژوهش وی بیشتر معطوف به پهنه سیاست خارجی ایران بوده و با نیم‌نگاهی به روندهای مؤثر حاکم بر حوزه بیرون سیستمی آن (به‌ویژه در ارتباط با ایالات متحده)، به تبیین کیفیت جابه‌جایی‌های موجود در آن می‌پردازد.

ب) پژوهش دیگر مربوط به تازه‌ترین کار مه‌ران کامروا با عنوان «Iran's Intellectual Revolution» می‌باشد. وی در این اثر در کنار طرح چهار گفتمان، محافظه‌کار مذهبی، اصلاح‌طلبی دینی، سکولار- مدرنیست، حاکم بر انقلاب خاموش (آرام) ایران، به بررسی روندهای موجود در پهنه اندیشگی ایران می‌پردازد. این پژوهش بیشتر معطوف به پهنه اندیشگی و کناکنش میان حوزه نخبگی و سیاسی ایران است و کمتر به بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی آن می‌پردازد.

پ) یکی از برجسته‌ترین آثار منتشر شده در این باب کتاب «دیب‌چ‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران» نوشته حسین بشیریه می‌باشد. وی در این کتاب پس از تحلیل اجتماعی و طبقاتی دولت جمهوری اسلامی، آن را در چارچوب سه دوره تاریخی صورت‌بندی می‌کند:

نخست: دوره ایدئولوژی جامع‌القواء، دولت میرحسین موسوی (۶۸-۱۳۶۰)

دوم: دوره دموکراسی صوری، دولت هاشمی‌رفسنجانی (۷۶-۱۳۶۸)

سوم: دولت نیمه‌دموکراتیک، دوران سید محمد خاتمی (...-۱۳۷۶)

اساس کار وی در این پژوهش بررسی تاریخی و جامعه‌شناختی این سه دوره از نظام جمهوری اسلامی، می‌باشد. (ت) کار انجام گرفته توسط انوشیروان احتشامیبا عنوان «After Khomeini»^۱ می‌باشد. در این اثر پژوهش‌گر به بررسی مبانی سیاسی و تا اندازه‌ای اجتماعی تثبیت ایده جمهوری اسلامی و نیز افراد حاضر در این پهنه، به‌ویژه رهبر فقید آن، می‌پردازد. مهم‌ترین پرسش و گره اصلی پژوهش وی، در کنار شرح تحولات نظام ایران، کیفیت و چگونگی طی موفقیت‌آمیز فرآیند جای‌گزینی امام‌خیمینی به‌عنوان رهبر فرهمند انقلاب است. پژوهش احتشامی علی‌رغم نیم‌نگاهی که به پهنه اجتماعی دارد، در حقیقت جستاری در سطح کنش‌گران عمده و اعضای برجسته نظام جمهوری اسلامی می‌باشد.

(ث) پژوهش دیگر، کار انجام گرفته توسط گروه تحقیق جهاد دانشگاهی با عنوان «جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)» می‌باشد. این اثر که زیر نظارت مصطفی میرسلیم انجام گرفته است به ارائه یک چارچوب آماری و تشریحی در باب حوادث و رخداد‌های پهنه اندیشگی و فرهنگی جمهوری اسلامی، در میان سال‌های ۵۷ تا ۸۰ می‌پردازد. این جستار همان‌گونه که خود نیز معترف است، نه به‌بررسی علی و تحلیلی رخدادها که به ارائه صرف داده‌ها بسنده کرده است. براین پایه این کتاب تنها در سطح عرضه داشت داده‌های اولیه قابل تأمل است و هرگز اثری تبیینی و تحلیلی محسوب نمی‌گردد.

(ج) «اسلام سیاسی در ایران»، نوشته محمدعلی حسینی‌زاده دیگر پژوهش برجسته در این حوزه می‌باشد. وی از زاویه‌ی روشی استوار بر خوانش گفتمانی لاکلا و موف، به‌بررسی پهنه‌های سیاسی، اجتماعی و نخبگی جمهوری اسلامی، تا دوران خاتمی پرداخته است. این اثر بسیار به‌جستار پیش‌رو نزدیک است؛ اما برجسته‌ترین دیگرسانی میان این دو اثر، در این است که کار حسینی‌زاده به‌مسائل اقتصادی نپرداخته و مهم‌تر آن‌که چندان نکوشیده است میان پهنه اجتماعی و اقتصادی و حوزه گفتمانی جمهوری اسلامی رابطه و پیوندی برقرار نماید. برجسته‌ترین همسانی این دو پژوهش، به‌بهره‌گیری هر دو از نظریه گفتمانی لاکلا و موف بازمی‌گردد.

^۱. که بخش‌هایی از آن توسط ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی ترجمه و با عناوین «سیاست‌خارجی ایران در دوران سازندگی» و «گذار از بحران‌جانشینی» انتشار یافته است.

پیش‌گفتار

چ) واپسین پژوهشی که در اینجا به بررسی آن پرداخته خواهد شد، کاری با عنوان «Iran and Rise of its Neoconservatives» می‌باشد که به وسیله انوشیروان احتشامی و محجوب زویری تهیه گردیده است. این دو نویسنده در دنباله پژوهش‌های خویش در باب ایران، به کنکاش درباره چرایی و چگونگی جابه‌جایی دو گفتمان اصلاح‌طلب و جریان موسوم به راست افراطی در پهنه سیاسی ایران می‌پردازند. اینان پس از گفتن شرح اندکی در باب ویژگی‌های دوران خاتمی، به تبیین زوایای گوناگون موثر بر برآمدن احمدی‌نژاد می‌پردازند.

۴. متغیرها:

- متغیر مستقل: تحول در عرصه اجتماعی و اقتصادی.
- متغیر وابسته: تحول در گفتمان‌های مسلط در پهنه سیاسی جمهوری اسلامی.
- متغیر واسطه یا تعدیل‌کننده: عنصر خارجی و شرایط حاکم بر عرصه جهانی.

۵. چارچوب نظری: چارچوب نظری که پژوهش پیش‌رو در چارچوب آن به دنبال آزمون فرضیه خویش می‌باشد، سامانه نظریه تحلیل گفتمان، به‌ویژه خوانشی است که ارنستو لاکلا و شنتال موف از آن ارائه می‌دهند. برای استواری بیشتر این روش، در کنار بهره‌گیری از خوانش گفتمانی نورمن فرکلاف، تلاش شده است تا در موارد مورد نیاز به سرچشمه‌های نخستین طرح ارکان و شاخص‌های نظریه گفتمان نیز بازگشت شود.

۶. فرضیه اصلی:

«تحولات اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ساز اصلی تحول و جابجایی گفتمان‌های مسلط در عرصه نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌باشد».

۷. فرضیه‌های فرعی:

- الف. بروز ناکارآمدی در هر گفتمان مسلط، زمینه‌ساز برآمدن گفتمان پس از خود شده است.
- ب. نشانه‌های هر گفتمان جایگزین، ریشه در حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان مسلط پیشین داشته است.

پیش‌گفتار

ب. تحول در گفتمان‌های مسلط در عرصه نظام جمهوری اسلامی رهاورد غیرمستقیم دگرگونی در شرایط بین‌المللی بوده است.
ت) سامانه نشانه‌شناختی هر گفتمان، در واقع صورت توسعه یافته تعریف و برداشتی است که آنان از سرشت انقلاب سال ۵۷ دارند.

۸. هدف پژوهش: این پژوهش در پی به‌دست آوردن شناخت بیشتر و بهتر در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، رابطه دولت و جامعه، اقتصاد و سیاست و نیز نشان دادن ارتباط و چگونگی اثرگذاری تحولات اجتماعی و اقتصادی بر جابه‌جایی و تحول گفتمان‌های مسلط در پهنه نظام سیاسی جمهوری اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثربخش در این فرایند جای‌گزینی می‌باشد. در حقیقت هدف این نوشتار بازنمایی چگونگی برآمدن و فرو افتادن پی در پی گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی در اثر تحول در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و کیفیت کناکش میان آنهاست.

۹. اهداف فرعی:

- بررسی کیفیت و چگونگی تثبیت نشانه‌ها و ایده‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی.
- بررسی گفتمان‌های چیره و مسلط در پهنه سیاسی جمهوری اسلامی، ارکان و دگرهای آنها.

۱۰. روش پژوهش: رهیافت علمی این پژوهش «رهیافت تبیینی»، روش پژوهش مورد نظر نوشتار «روش همبستگی» و روش گردآوری داده‌های آن نیز «شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی» می‌باشد.

۱۱. سازمان‌دهی پژوهش: پژوهش پیش‌رو در چارچوب یک پیش‌گفتار، شش گفتار و یک نتیجه‌گیری کلی سامان یافته است. در گفتار نخست، در کنار واکاوی نظریه گفتمانی لاکلا و موف و نیز نورمن فرکلایف و بیان کلیات و ارائه ارکان آن، چگونگی آزمون فرضیه جستار در چارچوب آن، مورد بررسی قرار گرفته است.
هدف گفتار دوم، نمایاندن و شناساندن دگرهای گفتمانی گفتمان اسلام‌گرا، چگونگی به‌حاشیه رانده شدنشان و پیرو آن، تثبیت هویت و هژمونی‌یابی این گفتمان می‌باشد. این گفتار در دو بخش به‌بیان مطالب

پیش‌گفتار

خویش پرداخته است، در بخش نخست به‌چرایی و چگونگی به‌حاشیه‌رانی گفتمان لیبرال اسلامی و در بخش دوم به‌ریشه‌یابی همین امر در باب گفتمان چپ، مارکسیست و التقاطی، پرداخته است. در پایان نیز در طی یک نتیجه‌گیری به‌واکاوی چگونگی بهره‌گیری گفتمان اسلام‌گرا از این شرایط و هژمونی‌یابی‌اش پرداخته شده است.

در گفتارهای سوم تا ششم نیز به‌ترتیب به‌بررسی چرایی و کیفیت جای‌گزینی گفتمان‌های «چپ اسلامی ارزش‌مدار»، (۶۸-۱۳۶۰)؛ «گفتمان اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی»، (۷۶-۱۳۶۸)؛ «گفتمان دموکرات اسلامی»، (۸۴-۱۳۷۶) و «گفتمان عدالت اجتماعی و اصول‌گرایی»، (...-۱۳۸۴) پرداخته شده و فرضیه‌جستار در باب آن‌ها به‌آزمون گذاشته شده است. در پایان نیز در یک نتیجه‌گیری کلی، رهاوردها و برایندهای پژوهش بیان گردیده است.

کفایت تحت

بنیادهای نظری

پیش‌گفتار

نخستین گام در هر پژوهش علمی، ارائه چارچوب نظری و روش‌شناختی‌ای است که آن کنکاش به‌دنبال بیان مطالب خویش در بسترش می‌باشد. براین پایه و پیش از هر سخن، نخست نیاز است تا پژوهش‌گر به‌عرضه چارچوب نظری و روش‌شناختی خویش، به‌مثابه طرح کلان جستارش، پردازد. بر همین پایه، نوشتار پیش‌رو نیز نخست به‌بیان بنیاد نظری و اندیشگی خویش پرداخته و نقشه راه خویش را بازمی‌نماید.

چارچوب کلی‌ای که این پژوهش برای بیان مطالب خویش در نظر گرفته است، رهیافت برآمده از نظریه «تحلیل گفتمان»^۱ و به‌ویژه خوانشی است که «ارنستو لاکلا»^۲ و «شتتال موف»^۳ از آن ارائه می‌کنند.^۴ این خوانش، به‌واسطه نسبتی که با رهیافت‌ها و نظریات مارکسیستی، نومارکسیستی، زبان‌شناسانه، پسامدرن، ساختارگرایانه، پساساختارگرایانه، هرمنیوتیکی و... داشته و در کوره آتشین آن‌ها آبدیده گردیده، از توان بسیار بالایی در واکاوی و بازخوانی امور مربوط به‌پهنه‌های گوناگون زیست اجتماعی برخوردار است. شاید بتوان برجسته‌ترین عامل برتری این خوانش را درون‌نگر بودن آن دانست. این خوانش، در کنار طرح انگاره‌ها و ایستارهای خویش، در پی شناخت و تبیین چرایی و چگونگی جابه‌جایی گفتمان‌های چیره، برپایه عوامل و مؤلفه‌های درون‌داد آن سامانه سیاسی است. از دید لاکلا و موف کلید فهم سیاست هر کشور، بررسی کنش‌ها و واکنش‌های پهنه گفتمانی آن است. این پهنه، جایگاه دست به‌دست شدن پی‌درپی «هژمونی»، به‌مثابه برجسته‌ترین پایه این نظریه و عامل جابه‌جایی گفتمان‌های مسلط است.

آنان به‌پیروی از اندیشه‌ورزان بزرگی چون فردینان دو سوسور، آنتونیو گرامشی، لویی آلتوسر، ژاک لاکان، میشل فوکو، ژاک دریدا و در گسترش دیدگاه‌های آنان، با چیدمان ویژه‌ای که از پایه‌ای‌ترین مفاهیم نظریات آن‌ها

^۱. Discourse analysis

^۲. Ernesto Laclau

^۳. Chantal Mouffe

^۴. خوانشی که به اسکس (Essex) نامبردار است. اسکس نام دانشگاهی است که ارنستو لاکلا در آن سرگرم تدریس نظریه و اندیشه سیاسی است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: (Laclau & Mouffe, 2001: II).

گفتار نخست: بنیادهای نظری

کرده‌اند، به یک نظریه گویا و پویا برای فهم دگرگونی‌های پهنه سیاسی و اجتماعی دست یافته‌اند. عمده مطالب آن‌ها در کتابی با عنوان «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی»^۱ عرضه شده است. آنان در این کتاب، در کنار رها کردن مباحث جزم‌اندیشانه و ناپویایی چون نسبت زیربنا و روبنا و عاملیت فزاینده و پیشینی اقتصاد، برآند تا در کنار خوانش عقلانی‌تر و گویاتر از مارکسیسم، به نجات جریان چپ در مغرب‌زمین یاری برسانند؛ روندی که منجر به ارائه نظریه «رادیکال دموکراسی» و به‌پیرو آن «تحلیل گفتمانی» آنان، گردید. لاکلا و موف سه دگرگونی پایه‌ای در مارکسیسم سنتی پدید آورده‌اند که اجزای اصلی نظریه اجتماعی آن‌ها را سامان می‌دهد. یک، تقسیم جامعه به- زیربنا و روبنا را بهم می‌ریزند و صورت‌بندهای اجتماعی را برابند فرایندهای گفتمانی می‌دانند. دو، برداشت مارکسیستی از جامعه را نیز نمی‌پذیرند؛ از دیدگاه مارکسیسم سنتی، جامعه به‌گروه‌های عینی بخش می‌شود، ولی از دید آن‌ها وجود جامعه عینی ناممکن است. سه، لاکلا و موف به‌خاطر نگاهی این‌گونه به‌مفهوم جامعه، مفاهیم هویت اجتماعی و سامان‌دهی گروه را نیز مورد انتقاد قرار می‌دهند. بنابراین، از دید آن‌ها، هویت‌ها و گروه‌های اجتماعی نیز برساخته فرایندهای گفتمانی‌اند و وجود ندارند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۵). لاکلا و موف از یک سو به- چالشی بنیادکن علیه رویکردهای تقلیل‌گرا، جوهرگرا و جهان‌شمول برخاستند و از سوی دیگر، به‌نقد آموزه‌هایی پرداختند که جامعه را از دریچه عناصر مستقلی که هر کدام جدا از ارتباطشان با دیگر عناصر، دارای هویتی ویژه هستند، مورد تحلیل و تعریف قرار می‌دهند، جوهرگرایی عناصر؛ و بدین ترتیب افقی فراسوی مارکسیسم ارتودوکسی، پساساختارگرایی و هرمنوتیک گشوده‌اند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۹).

در کنار و برای استواری بیشتر این نظریه، کوشیده شده است تا در موارد مورد نیاز، از سامانه گفتمانی برساخته «نورمن فرکلاف»^۲ نیز بهره گرفته شود. فرکلاف، نظریه گفتمانی‌اش را بیشتر برپایه بررسی متون و سخنان گذارده است و بنابراین، بهره‌گیری از آن می‌تواند بسیاری از کاستی‌های خوانش لاکلا و موف را پوشش دهد. تحلیل گفتمان در خوانش فرکلاف، بیشتر به‌مطالعه و بررسی آن دسته از کارکردها و تأثیرات زبان‌شناختی، معناشناختی، نشانه‌شناختی، سبک‌شناختی یا سبکی و نحوی گفته می‌شود که توصیف و تشریح آن‌ها نیازمند در نظر گرفتن پی‌درپی بودن، ترادف و توارد جمله، و همین‌طور ساختار جمله است (مک‌دانل ۱۳۸۰: ۱۷). از دید

^۱ Hegemony and Socialist Strategy

^۲ Norman Fairclough

گفتار نخست: بنیادهای نظری

وی، تحلیل گفتمان سیاسی، در پی توضیح رویدادهای ارتباطی خاص و ساخت و دگرگونی نظم گفتمان سیاسی است (فرکلاف، ۱۳۸۸: ۱۴۳). دغدغه زبان‌شناسی انتقادی چون نورمن فرکلاف، مناسبات قدرت و چگونگی تأثیرپذیری تولید پاره گفتمان‌ها و متن‌ها از این مناسبات بوده است، اما روش‌شناسی او متأثر از تحلیل گفتمان-های نوین‌تر بوده و از این‌رو توانسته است الگوی پیچیده‌تری از چگونگی کارکرد گفتمان و تأثیرات آن بر روی شرکت‌کنندگان در گفتمان فراهم آورد (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷). تحلیل انتقادی گفتمان، در رویکرد فوکو، نظریه گفتمانی لاکلا و موف و به‌ویژه در خوانش فرکلاف، همگی ریشه در سازنده‌گرایی اجتماعی دارند. سازنده‌گرایی اجتماعی بر این اندیشه استوار است که شیوه‌های سخن گفتن ما، بازتاب‌کننده جهانمان، کیستی‌مان و روابط اجتماعی‌مان به‌طور خنثی نیست، بلکه نقشی پویا در آفرینش و دگرگونی آن‌ها دارد (سلطانی، همان: ۳۶). تحلیل‌گران انتقادی گفتمان، رویکرد خود را انتقادی می‌نامند، زیرا برآنند که زبان عامل دگرگونی و نگه‌داشت نابرابری‌های اجتماعی است و خویشکاری آن‌ها، یافتن این نابرابری‌ها و وضع آن‌ها از راه افزایش هوشیاری مردم می‌باشد (همان: ۲۶).

نوشتار پیش‌رو بنیاد کار خویش را، گام نهادن برپایه انگاره‌های این نظریه نهاده است؛ البته در هر کجا که نیاز بوده است از بازگشت به آبخورهای نخستین طرح مفاهیم و نظریات مورد بهره‌برداری این خوانش، و یا افزودن دیگر اندیشه‌های سودمند و کارا نیز خودداری نکرده است.